

رابطه اعتماد، آگاهی و شبکه‌های اجتماعی با رفاه اجتماعی در شهر تهران

سید احمد فیروزآبادی*، سید رسول حسینی**

مقدمه: این مطالعه رابطه بین اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی، به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی را در کلان شهر تهران بررسی می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش، این است که در مرحله اول عمده‌ترین عامل سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در شهر تهران چیست؟ و کدامیک از عناصر هجده‌گانه سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و برخورداری از امکانات رفاهی تأثیر گذارانند؟

روش: جامعه آماری این مطالعه پیمایشی را ۷۸۳ نفر از افراد بالای ۱۶ سال در شهر تهران تشکیل می‌دادند که به صورت خوشه‌ای و چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های مطالعه با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری و به روش رگرسیون چند متغیره تحلیل شد. یافته‌ها: از هجده عنصر سرمایه اجتماعی وارد شده در تحلیل عاملی شش عامل عناصر شبکه‌ای، هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی و همیارانه، آگاهی و توجه به امور عمومی، مشارکت رسمی، شبکه همکاران و همسهری‌ها، شبکه دوستان صمیمی و قرض دهنده، شبکه همکاران و شبکه خویشاوندان، اعتماد عمومی و اعتماد فردی و نگاه به آینده، اعتماد نهادی و احساس امنیت در تعیین سرمایه اجتماعی مؤثر است.

بحث: هم‌بستگی و رابطه معنی‌داری بین عناصر سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در شهر تهران وجود دارد. عمده‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی که با افزایش رفاه اجتماعی (از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی) همراه عبارتند از: شبکه خویشاوندی، احساس امنیت، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی و اعتماد فردی و آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی سیاسی اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، رفاه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۱/۱۴

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران. <afirouzabadi@ut.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.

مقدمه

رفاه اجتماعی از سازوکارهای ارتقای توسعه اجتماعی است. همچنین رفاه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد توسعه اجتماعی در سند توسعه اجتماعی اجلاس کپنهاگ معرفی شده است. رفاه اجتماعی تأکید بسیاری بر توانایی‌های بالقوه انسانی و برابری و عدالت به عنوان یک حرکت واضح به منظور رفع تبعیض است. رفاه اجتماعی سامانه‌ای منسجم و جامع از خدمات و برنامه‌هایی است که برای ارتقای توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی و کارکردهای اجتماعی مردم طراحی شده است. رفاه اجتماعی مانند سامانه‌ای در جامعه و به عنوان یک کل، برای به وجود آوردن خوشی و رفاه در جامعه است (باک^۱، ۲۰۰۴).

بی‌تردید رفاه اجتماعی محصول فرایند توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی به معنای فراگیر آن، زمانی اتفاق می‌افتد که فقر و نشانه‌های آن از جامعه زدوده شود؛ اما در واقع انتظار از رفاه و توسعه، صرفاً وجه یا مشخصه اقتصادی آن نیست؛ بلکه چند بعدی بودن و ارتباطات درونی و بیرونی آن است که بر پیچیدگی فراگرد توسعه می‌افزاید. در اصل، توسعه باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی سوق یابد که از نظر مادی و معنوی «بهتر» است (حق‌جو، ۱۳۸۱).

رشد اقتصادی شرط ضروری کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی است؛ ولی کافی نیست. دهه‌های متوالی، اقتصاددانان در مطالعات خود نقش سنتی سرمایه فیزیکی و انسانی را در رفاه بررسی کردند و نقش سرمایه اجتماعی نادیده گرفته شد (اکر^۲، ۲۰۰۷؛ جباری، ۱۳۸۲).

بسیاری مطالعات بر تأثیر متغیرهای اقتصادی بر رفاه اجتماعی (سفتون^۳، ۲۰۰۳؛ چاو و یو^۴، ۱۹۹۹) و دمکراسی و رفاه اجتماعی (روس‌چمیر^۵، ۲۰۰۸)، تأکید کرده‌اند. برخی

1. Bak 2. Aker 3. Sefton 4. Chau & Yu 5. Rueschemeyer

مطالعات به بررسی روابط اجتماعی و رفاه اقتصادی پرداخته‌اند (آنتونی^۱، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸؛ ناک، ۲۰۰۲؛ چوپین، ۲۰۰۳؛ پاتنام، ۲۰۰۰؛ نارایان^۲ و پریچت^۳، ۱۹۹۹؛ گلاسر^۴ و ردلیک^۵، ۲۰۰۹). روش‌های زیادی وجود دارد که روابط بین فردی باعث افزایش رفاه شود. برای مثال، مشارکت در شبکه‌ای غنی از روابط بین فردی، ممکن است باعث تسریع در انباشت سرمایه انسانی شود (آنتونی، ۲۰۰۵). تأثیر سرمایه اجتماعی در رفاه خانواده معمولاً غیرمستقیم است: عمل کردن از طریق دسترسی به اعتبار، انباشت سرمایه، رفتارهای جمعی و... (گروتارت، ۱۹۹۹).

به این منظور، این مطالعه رابطه بین اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی را در کلان شهر تهران بررسی کرد. پرسش اصلی پژوهش این است: در مرحله اول عامل‌های اصلی سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در شهر تهران چیست؟ کدام یک از عناصر هجده گانه سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و برخورداری از امکانات رفاهی تأثیرگذار است؟

چارچوب نظری

به طور سنتی، ادبیات رفاه اجتماعی^۶ براساس طرح برنامه‌ریزان سیاسی و جامعه سیاسی هر کشور تعیین می‌شود و سیاست هر دولتی به منظور رفاه اجتماعی متفاوت است (چاندلر^۸، ۲۰۰۱). واژه رفاه اجتماعی زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی اروپا از قرن نوزدهم به بعد است. همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، رفاه اجتماعی تعاریف متفاوتی دارد:

سازمان ملل متحد رفاه اجتماعی را دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی می‌داند که با کمک و نظارت دولت، برای بهزیستی افراد جامعه انجام می‌شود. اتحادیه بین‌المللی

1. Antoni
5. Redlick

2. Narayan
6. Grootaert

3. Pritchett
7. social welfare

4. Glaeser
8. Chandler

تأمین اجتماعی، رفاه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «نظامی که به منظور خدمت‌رسانی و کمک به افراد به وجود می‌آید تا سلامت و زندگی بهتر و موجبات روابط مناسب‌تری برای پیشرفت استعدادها و توانایی‌های انسان فراهم سازد» (یزدانی، ۱۳۸۲).

شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور تعریف جامعی از رفاه اجتماعی ارائه کرده است که ابعاد مختلف این مفهوم را دربرمی‌گیرد: «رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند (شیانی، ۱۳۸۱).

در کشورهای توسعه یافته، یکی از هدف‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی، ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است. در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود؛ بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته، افزایش رفاه اجتماعی را هم یکی از هدف‌های اصلی و از معیارهای توسعه یافتگی در نظر می‌گیرند (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳). رفاه اجتماعی برنامه منسجمی است که متکی به مردم است و صلح و امنیت را برای همه مردم به وجود می‌آورد و به ایجاد ملت، ارتباط بین توسعه و بازسازی (درک نیازهای اساسی مردم و ایجاد زیرساخت‌ها) و تعمیق دموکراسی منجر می‌شود. همچنین، رفاه اجتماعی مشارکت همه افراد را در بخش رفاه می‌طلبد (تریگارت^۱، ۲۰۰۲).

رفاه اجتماعی از قالب‌های رایج برای دستیابی به توسعه یا حتی هدف توسعه، برای توده‌های مردم است. با نگاهی به متون علمی درمی‌یابیم که قسمت اعظم تاریخ رفاه اجتماعی را باید در رابطه با مذهب و روند تحولات سیاسی کشورها جست‌وجو کرد که به طور سنتی با حمایت‌های مالی مؤسسات خیریه از افراد فقیر آغاز شد. با این حال، مفهوم و محتوای رفاه اجتماعی در طول چند دهه اخیر، تغییرات عدیده‌ای یافته است. در دهه

1. Triegaardt

۱۹۷۰ گفته می‌شد که رفاه اجتماعی مجموع قوانین و برنامه‌ها و خدمات سازمان یافته‌ای است که هدف آن تأمین حداقل نیازهای اساسی تمامی مردم کشور است. در سال‌های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم تغییر کرد؛ به نحوی که به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی به منظور تأمین نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی اطلاق می‌شود. در حال حاضر، یعنی از دهه ۱۹۹۰ به بعد، رفاه اجتماعی مجموعه شرایطی را دربرمی‌گیرد که در آن، خشنودی انسان در زندگی تأمین شود (افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲).

در دهه ۹۰ و بعد از اجلاس کپنهاگ، می‌توان گفت مدل جدیدی از رفاه در قالب توسعه اجتماعی معرفی شد. رویکرد توسعه اجتماعی، رویکردی جایگزین یا مکمل رویکرد سنتی رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و بر این تأکید دارد که ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه، باید جزئی جدایی‌ناپذیر از بخش‌های به هم پیوسته خدمات و رفاه اجتماعی باشد. نظام خدمات رفاهی باید با ایجاد تحرک در شبکه‌های اجتماعی، نقش آن‌ها را در توسعه اقتصادی جامعه پررنگ‌تر کند. رویکرد توسعه اجتماعی تنها بر مشارکت نیروی کار در بازار تأکید می‌کند؛ بلکه بر ارتقای شکل‌های توسعه انسانی، انباشت دارایی‌های اجتماع به جای دارایی‌های فردی، استفاده از سرمایه اجتماعی در اجتماعات فقیر و توسعه بنگاه‌های خرد اقتصادی تأکید دارد. در رویکرد توسعه اجتماعی نسبت به رفاه اجتماعی، تأکید بر رفع تبعیض‌های نژادی و جنسی می‌شود (میدگلی^۱، ۱۹۹۹).

سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی): مفهوم سرمایه اجتماعی^۲ پیشینه طولانی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج، از دهه ۹۰ به بعد در پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های آغاز شد. به ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی همچون کلمن، رابرت پاتنام، فوکویاما و بورديو افزایش یافته است (الن و فرانس و گابریل، ۱۹۹۸). به زعم برم و ران، سرمایه اجتماعی مفهومی جمعی است که اصل و اساس آن بر رفتار و طرز تلقی‌ها و استعدادهای فردی قرار دارد. آنان معتقدند نهادهای گوناگونی از قبیل

1. Midgley

2. social capital

مؤسسات اجتماعی و داوطلبانه، خانواده، دین و الگوهای فرهنگی در شکل‌دهی عادات و ارزش‌هایی که مولد سرمایه اجتماعی اند، نقش دارند (برم و ران، ۱۹۹۷). سرمایه اجتماعی، همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها و هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴). پاتنام در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که عملکرد نهادی و خصیصه زندگی مدنی که از آن به «جامعه مدنی» یاد می‌کند، چگونه با یکدیگر مرتبط‌اند؛ به گونه‌ای که به زعم دوتوکویل و تفسیر او از جامعه مدنی، آن را جامعه‌ای می‌داند که اعضای آن شهروندانی فعال و دارای روحیه جمعی و روابط سیاسی برابر و بافت اجتماعی برخوردار از اعتماد و همکاری‌اند. وجود این شبکه‌ها و هنجارهای مشارکت مدنی در برخی مناطق ایتالیا نقش کلیدی در توضیح موفقیت‌های نهادی دارد (پاتنام، ۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تسهیل همکاری و هماهنگی که دستیابی به اهداف را با هزینه کمتر امکان‌پذیر می‌سازد، در سه سطح مطرح و بررسی می‌شود:

۱. **سطح خرد:** در این سطح، منافع مدنظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی به دست می‌آورد. بورديو در چارچوب این سطح، سرمایه اجتماعی را «حاصل جمع منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کمابیش نهادینه شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوط‌اند» (بورديو، ۱۹۸۵) تعریف می‌کند.

۲. **سطح گروهی یا میانه:** سرمایه اجتماعی در کنار منفعی که برای فرد دارد، در صورت تکرار و پایداری تمامی اعضای گروه به تعهدات خویش، منفعی جمعی را پدید آورد که برای تمامی اعضای گروه استفاده شود. کلمن (۱۳۷۷) با بیان نحوه عملکرد فروشندگان بازار عمده‌فروشی الماس در شهر نیویورک، نمونه‌ای از این سطح سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. او در این مثال، نشان می‌دهد که چگونه تعهدات متقابل

اعضای گروه و ضمانت‌های مؤثر برای ممانعت از خیانت در امانت موجب شده تا اموری مانند ارزشیابی الماس‌ها بدون کمترین هزینه و با اطمینان انجام شود و در نتیجه، هم‌بستگی گروهی به خوبی حفظ شده و تداوم یابد.

۳. **سطح اجتماعی یا کلان:** وجود روابط افقی مبتنی بر اعتماد میان نهادهای مختلف جامعه منافعی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود. از نگاه پاتنام (۱۹۹۵ و ۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی جامعه موجب می‌شود تا نهادهای دموکراتیک حکومتی وظایف خود را بهتر انجام دهند و از نظر فوکویاما (۱۹۹۵) وجود سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمدی حفظ کرده و تداوم می‌بخشد و توسعه اقتصادی را موجب می‌شود. پاتنام در بولینگ یک‌نفره (۲۰۰۰) هم‌بستگی‌های معنی‌داری بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش کیفیت آموزش و رفاه کودکان، کاهش تماشای تلویزیون توسط کودکان، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ‌ومیر، بهبود وضع سلامت و بهبود احساس خوشبختی ملاحظه می‌کند.

سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی: اقتصاددانان در مطالعات خود، نقش سستی سرمایه فیزیکی و انسانی در رفاه را بررسی کردند؛ ولی نقش سرمایه اجتماعی بیشتر نادیده گرفته می‌شد (اکر، ۲۰۰۷). رفاه اجتماعی فقط به موضوع اقتصادی مربوط نمی‌شود؛ بلکه مفاهیمی نظیر اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی و رضایت‌مندی اجتماعی نیز بر رفاه اجتماعی تأثیر دارد که به عنوان بعد غیرمادی رفاه اجتماعی معرفی می‌شود (بانن، ۲۰۰۴؛ گیدنز، ۲۰۰۶؛ رز، ۱۹۹۹؛ وان‌ها و همکاران، ۲۰۰۴؛ اکر، ۲۰۰۷؛ حداد، ۲۰۰۷؛ مالوکیو، ۲۰۰۰؛ یوسوف، ۲۰۰۸).

در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسان تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان در قبال یکدیگر و همچنین،

پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید در خصوص رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتماعی، مؤثر بوده است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود و به همین دلیل است که دو بعد اساسی رفاه (مادی و غیرمادی) در نظر گرفته شده است (ربانی، ۱۳۸۸). طبعاً نداشتن درآمد در جامعه امروز، انسان را از بسیاری از قابلیت‌ها باز می‌دارد؛ بیکاری، افراد را از مهم‌ترین زمینه مشارکت، یعنی کار و فعالیت باز می‌دارد. بیماری در عین داشتن اثرهای اقتصادی و روانی، حضور فعال در اجتماع را با مشکل مواجه می‌کند و به‌طور کلی، مجموعه این شرایط در نوعی رابطه تأثیر متقابل و چرخه‌ای، موقعیتی فراهم می‌کند که از نتایج بسیار مهم آن کاهش شعاع روابط اجتماعی، روند رو به نزول سرمایه اجتماعی و فرسایش آن در بین افراد است. در مقابل، گسترش سرمایه اجتماعی در طبقات فقیر جامعه زمینه رشد فرهنگ مشارکتی، روحیه داوطلبانه، همکاری و اعتماد اجتماعی فراگیر را فراهم می‌کند و نوعی پیوند محکم و صمیمیت و کمک متقابل را در سطح بین فردی ایجاد می‌کند (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۷).

سرمایه اجتماعی مانند چسبی است که جوامع را بدون این که رشد و رفاه اقتصادی داشته باشند، به هم متصل می‌کند. شبکه‌های سرمایه اجتماعی که تولید کالا و خدمات می‌کنند، پدیده جدیدی نیستند؛ بلکه بخش حیاتی هر اجتماعی هستند: سنتی و مدرن؛ دارای درآمد بالا و درآمد پایین.

بسیاری عناصر اساسی رفاه اجتماعی نتیجه تعدد مشترک منابع هستند. برای مثال، سلامتی نتیجه رژیم غذایی و ورزش است؛ حمایت‌های غیررسمی دوستان و همسایه‌ها وقتی که احساس ناخوشی وجود دارد، خدمات پزشکی که برای به دست آوردن آن باید پول پرداخت شود و مراقبت‌های بیمارستانی در مکان‌های عمومی. در هر جامعه مدرن، افراد ممکن است برای غذا به بازار متکی باشند؛ اما برای رفاه عاطفی به شبکه‌های اجتماعی متکی اند (رژ، ۱۹۹۹).

در سال‌های گذشته، بسیاری مطالعات نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی در رونق اقتصادی و توسعه جوامع مؤثر است. راه‌های مهمی وجود دارد که روابط بین فردی می‌تواند باعث افزایش رفاه اقتصادی شود. مشارکت در یک شبکه اجتماعی غنی از روابط بین فردی، باعث تسریع در انباشت سرمایه انسانی می‌شود (آنتونی، ۲۰۰۵). با توجه به رویکرد توسعه اجتماعی، می‌توان بین میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه و وجود رفاه ارتباط برقرار کند. وقتی مردم احساس می‌کنند در جامعه‌ای مشارکت دارند و در آن جامعه ارزشمند محسوب می‌شوند، کیفیت زندگی و احساس رفاه آن‌ها افزایش می‌یابد. اجتماع به هم پیوسته که در آن اعتماد و ارزش‌های مشترک وجود دارد، از سلامتی و آموزش بهتر و فرصت‌های شغلی بیشتری برخوردار است و در نتیجه، جرائم کمتری در آن اتفاق می‌افتد (قانع‌راد، ۱۳۸۴).

سه رویکرد کلی در برنامه‌های رفاه اجتماعی مشخص شده است: الف. توسعه اقتصادی؛ ب. توسعه اجتماعی؛ ج. توسعه اجتماع‌محور. رفاه اجتماعی در مفهوم سنتی آن به رویکرد توسعه اقتصادی تعلق داشت. در این رویکرد، افراد فقط همچون نیروی کار محسوب می‌شوند که به منظور حفظ بهره‌وری آن‌ها باید در دوران بیماری و بیکاری و بازنشستگی حمایتشان کرد. رویکرد توسعه اجتماعی، دستاوردها و پیامدهای توسعه اقتصادی را با توجه به معیارهای انسان‌گرایانه ارزیابی و انگیزه‌های جمعی بشر را بااهمیت تلقی می‌کند. رویکرد توسعه اجتماعی، نقش بخش اجتماعی در مقابل بازار را تأکید کرده و این امر به گسترش جامعه مدنی و سازمان‌های وابسته بدان کمک می‌کند. رویکرد توسعه اجتماع‌محور به عنوان یکی از گرایش‌های اساسی در توسعه اجتماعی، فرد را از کانون انحصاری توجه خود خارج می‌کند و افراد را اعضای واحدهای اجتماعی، به ویژه خانواده و گروه همسایگی و اجتماع محلی تلقی می‌کند. این رویکرد، همچون رویکرد رایج رفاه اجتماعی، به نیازهای افراد توجه می‌کند؛ ولی بر اهمیت بخش اجتماعی و به ویژه اجتماعات بشری در مقیاس محلی تأکید دارد (قانع‌راد، ۱۳۸۴).

درباره رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه، تحقیقات متعدد بیانگر این موضوع بوده است که سرمایه اجتماعی ممکن است بر شاخص‌های مختلف رفاه، مانند آموزش، سلامت، کاهش جنایت، عدالت، فرهنگ، تفریحات و مسکن تأثیرگذار باشد. در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوادگی و اقتصادی چندین مطالعه انجام شده است؛ اما در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی مطالعات چندانی صورت نگرفته است.

گروتارت (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای در رابطه با سرمایه اجتماعی و رابطه آن با رفاه خانوادگی و فقر در اندونزی به این نتیجه رسیده است که با بررسی شکل خاصی از سرمایه اجتماعی، یعنی مشارکت در انواع تشکلهای و انجمن‌ها می‌توان تأثیرات مثبتی بر وضع رفاهی و معیشتی خانواده‌ها ملاحظه کرد؛ به گونه‌ای که در مشارکت در انجمن‌ها و تشکلهای که با معرف‌های تراکم عضویت‌ها، ناهمگونی داخلی انجمن‌ها از لحاظ سن، جنس، تحصیلات، مذهب و...، حضور در جلسات، حضور فعال در تصمیم‌گیری، پرداخت بدهی‌ها و عوارض سنجیده شده است، عوامل تأثیرگذار اصلی عبارت است از تراکم عضویت‌ها و ناهمگونی داخلی و شرکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها. این تأثیر مثبت عوامل بر رفاه خانواده از طریق سه سازوکار صورت می‌گیرد: ۱. افزایش اطلاعات در میان اعضای تشکل یا انجمن؛ ۲. کاهش رفتار فرصت‌طلبانه؛ ۳. ارتقای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی.

به این طریق، سرمایه اجتماعی بر رفاه و بهبود وضع معیشت خانوار تأثیر مثبت دارد. اگر (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و رفاه خانوار در تانزانیا: کار کردن با هم برای بیرون راندن فقر» تأثیر سرمایه اجتماعی را بر رفاه خانوارها و رفع فقر در مناطق روستایی تانزانیا، بررسی کرد. او ضمن اشاره به رابطه قوی و مستقیم بین رفاه خانوار و سرمایه اجتماعی، بر سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی تأکید می‌کند که به نوعی مکمل همدیگر هستند. بدین ترتیب که همان‌طور که افراد نیازمند تحصیل هستند، به مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های محلی ملزم می‌شوند.

نارایان و پریچیت (۱۹۹۹) تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی را بر درآمد خانوار، در ۸۷ روستای تانزانیا بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی با سه شاخص عضویت در گروه‌ها، ویژگی گروه‌هایی که خانواده‌ها در آن عضویت دارند و ارزش‌ها و نگرش‌های افراد، مخصوصاً تعاریف آن‌ها از اعتماد به گروه‌های مختلف و تصورشان از انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، سنجیده شد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در انحراف استاندارد شاخص سرمایه اجتماعی روستا، باعث افزایش بیست درصدی هزینه (درآمد)های افراد در هر خانواده روستایی می‌شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی خانوار روستایی به اندازه ویژگی‌هایی مانند میزان تحصیلات، دارایی‌ها، فاصله روستا تا بازارهای فروش محصولات، جنسیت سرپرست خانوار و... در پیش‌بینی و محاسبه درآمد خانوار مؤثر است و سرمایه اجتماعی به عنوان یک شاخص معتبر در تبیین و تحلیل درآمد و فقر خانواده مؤثر است. به زعم نارایان (۱۹۹۷) تجزیه و تحلیل‌های وضعیت فقر که به طور روزافزونی بر «سرمایه» افراد تأکید دارند و بستر اجتماعی و محلی را نادیده می‌گیرند، درحقیقت بخش عمده‌ای از معمای فقر را نادیده گرفته‌اند. پاتنام در کتاب بولینگ یک نفره (پاتنام، ۲۰۰۰) به منافع فردی و اجتماعی سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند. وی هم‌بستگی‌های معنی‌داری بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش کیفیت آموزش و رفاه کودکان (پاتنام، شکل‌های ۸۱ و ۸۲)، کاهش تماشای تلویزیون توسط کودکان (پاتنام، شکل ۸۳)، کاهش جنایت‌های خشن (پاتنام، شکل ۸۴)، کاهش نزاع و درگیری (پاتنام، شکل ۸۵)، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ‌ومیر، بهبود وضع سلامت (پاتنام، شکل ۸۶) و بهبود احساس خوشبختی (پاتنام، شکل ۸۸) ملاحظه می‌کند. پاتنام در بحث تأثیر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی، معتقد است که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعهد مردم در پرداخت مالیات‌ها و عوارض که رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد (پاتنام، شکل ۸۹) طبیعتاً کارایی حکومت و نهادهای مدنی نیز افزایش می‌یابد. ناک (به نقل از: گروتارت و باستلر: ۸۲-۴۲، ۲۰۰۲) رابطه سرمایه اجتماعی را با رشد و فقر در بین کشورها بررسی کرده است. بیشتر مطالعات بین کشوری معمولاً بحث رشد درآمد سرانه را

مدنظر دارند؛ اما در این مطالعه، کوشش شده است که توزیع درآمد و فقر از طرفی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی از طرف دیگر، بررسی شود. به عبارت دیگر، مطالعه سرمایه اجتماعی و کارآیی اقتصادی مدنظر است. در این زمینه، می توان به مطالعات دیگری نیز اشاره کرد: ساباتیینی^۱، ۲۰۰۸؛ سفنون، ۲۰۰۳؛ باک^۲، ۲۰۰۴؛ چاو و یو، ۱۹۹۹؛ جانستون^۳ و رومزک^۴، ۲۰۰۸؛ لیندمان^۵، ۲۰۱۰؛ روس چمیر، ۲۰۰۸؛ ۲۰۰۶؛ آنتونی، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵؛ وانها و همکاران، ۲۰۰۴؛ رز، ۱۹۹۹.

در داخل کشور مطالعات بسیاری درباره «تأثیر اوضاع اقتصادی بر رفاه» انجام شده است؛ اما در زمینه تأثیر شاخص های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی، مطالعات اندکی صورت گرفته است. برخی از این مطالعات به شرح زیر است:

شیانی (۱۳۸۱) در مطالعه ای با عنوان «شهروندی و رفاه اجتماعی»، تلاش می کند ضمن مرور تاریخی ایده شهروندی، به کاربرد تعاریف و نظریه های جامعه شناسانه شهروندی و درک و فهم رفاه اجتماعی بپردازد. او با بررسی نظریه های شهروندی به این نتیجه می رسد که بین شهروندی و رفاه اجتماعی ارتباط متقابل وجود دارد. به طور مثال، عده ای رویکردهای رفاه را از مؤلفه های شهروندی دانسته و آن را با عنوان «حقوق» مطرح کرده و برخی نیز به وجود منابع و امکانات مختلف در قالب رفاه، به منظور تحقق شهروندی اشاره کرده اند. در نهایت، او در مطالعه خود نتیجه می گیرد که در چارچوب شهروندی می توان به طور غیرمستقیم، به تأمین رفاه افراد و گروه های اجتماعی پرداخت و نیز به طور غیرمستقیم با تأمین رفاه در ابعاد مختلف، زمینه را برای تحقق شهروندی فراهم ساخت. فیروزآبادی و ایمانی (۱۳۸۶) در مطالعه خود، میزان هم بستگی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در مناطق شهر تهران را بررسی کرده اند. آن ها نتیجه می گیرند که بین برخی عناصر سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق، رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. به عبارتی، برخی عناصر سرمایه اجتماعی در مناطق توسعه ای بالا به طور معنی داری از مناطق متوسط و پایین بیشتر است.

1. Sabatini 2. Bak 3. Johnston 4. Romzek 5. Lindemann

قانع‌راد (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای برنامه‌های فقرزدایی و رفاه اجتماعی در ایران را در قالب رویکرد توسعه اجتماعی بررسی می‌کند. او در مطالعه خود، ضمن عرضه شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی در رویکردی جدید، برنامه‌های توسعه ایران را نقد کرده است و در نهایت، بر ضرورت رویکرد توسعه اجتماعی در فقرزدایی و سامان‌دهی نظام رفاه اجتماعی در ایران تأکید می‌کند.

مولایی (۱۳۸۶) در مطالعه خود، درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ را بررسی و مقایسه کرده است. او نتیجه می‌گیرد که میزان توسعه خدمات و رفاه اجتماعی در استان‌های کشور، در طول سال‌های تحت مطالعه افزایش یافته؛ اما توزیع آن نامتوازن‌تر شده است. باید برای برخورداری از رشد و توسعه متوازن به دنبال گسترش عادلانه خدمات و رفاه اجتماعی بود که به کاهش فقر و افزایش رفاه در اقصی نقاط کشور منجر می‌شود.

ربانی و دیگران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای، رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی را با مشارکت شهروندان در امور شهری، در شهر اصفهان بررسی کردند. یافته‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان اصفهانی در امور شهری مشارکت فراوانی داشته و بین ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه معنی‌دار خطی وجود دارد. براساس این مطالعه، هرچه اعتماد نهادی و رضایت‌مندی اجتماعی شهروندان بیشتر باشد و احساس محرومیت آنان کمتر، به همان اندازه، مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد بود.

در ایران نیز مطالعاتی، رابطه بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با رفاه و فقر را بررسی و بر رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و فقر تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی، فقر در جامعه کمتر و برعکس، با کاهش میزان سرمایه اجتماعی در جامعه فقر افزایش پیدا می‌کند (شادی‌طلب و حجتی‌کرمانی، ۱۳۸۶؛ زاهدی و دیگران، ۱۳۸۷). همچنین در این زمینه، می‌توان به مطالعات دیگری نیز اشاره کرد: مجتهد و

احمدیان، ۱۳۸۶؛ حق جو، ۱۳۸۱؛ افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ گل پرور و دیگران، ۱۳۸۸.

تعدادی از مطالعات داخلی به رابطه معکوس بین رفاه اجتماعی و توسعه و سرمایه اجتماعی در جامعه ایران اشاره کرده‌اند. به طور مثال، فیروزآبادی و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که بین توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران رابطه‌ای معکوس وجود دارد. ربانی و دیگران (۱۳۸۷) با مطالعه شاخص‌های مربوط و هم‌بستگی بین رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهند که بین این دو، رابطه‌ای معکوس وجود دارد و افزایش رفاه اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. در این زمینه، در خصوص نتایج مشابه، می‌توان به کارهای کمالی (۱۳۸۳)، عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶) و دینی ترکمانی (۱۳۸۶) اشاره کرد.

می‌توان از بحث‌های نظری و مطالعات انجام شده در حوزه سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی و اعتماد و آگاهی شهروندان) و ارتباط آن با رفاه اجتماعی، چنین نتیجه گرفت که یکی از قالب‌های رایج به منظور دستیابی به توسعه یا حتی هدف توسعه، رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است؛ اما در حال حاضر، یعنی از دهه ۱۹۹۰ به بعد، رفاه اجتماعی مجموعه وضعیتهایی را دربرمی‌گیرد که در آن، خشنودی انسان در زندگی تأمین شود. این تحول، مفهوم رفاه اجتماعی را در قالب رویکرد توسعه اجتماعی مطرح کرده است.

رویکرد توسعه اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه، باید به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از بخش‌های به هم پیوسته خدمات و رفاه اجتماعی باشد. نظام خدمات رفاهی باید با ایجاد تحرک در شبکه‌های اجتماعی، نقش آن‌ها را در توسعه اقتصادی جامعه پررنگ‌تر کند. بنابراین، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود و به همین دلیل است که دو بعد اساسی رفاه (مادی و غیرمادی) در نظر گرفته شده است.

همچنین، درباره رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تحقیقات متعدد بیانگر نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی بر شاخص‌های مختلف رفاه مانند آموزش، سلامت، کاهش جنایت، عدالت، فرهنگ، تفریحات و مسکن تأثیرگذار است. بیشترین عوامل تأثیرگذار عبارتند از: تراکم عضویت‌ها و ناهمگونی داخلی و شرکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها. به طور مثال، تأثیر مثبت عوامل بر رفاه خانواده از طریق سه سازوکار صورت می‌گیرد: ۱. افزایش اطلاعات در میان اعضای تشکل یا انجمن؛ ۲. کاهش رفتار فرصت طلبانه؛ ۳. ارتقای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی. از این طریق سرمایه اجتماعی بر رفاه و بهبود وضع معیشت خانوار تأثیر مثبت دارد.

روش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل افراد ساکن در شهر تهران، با ضابطه سنی بالاتر از ۱۶ سال بود. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری سه مرحله‌ای بدون بازگردان در نظر گرفته شد: مرحله اول، انتخاب بلوک نقشه تهران بزرگ؛ مرحله دوم، انتخاب خانوار؛ مرحله سوم، انتخاب فرد واجد شرایط از بین افراد خانوارها برای مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه.

برای انتخاب تعداد خانوار نمونه از خانوارهای فهرست‌برداری شده در هر بلوک، نمونه با توجه به حجم نمونه اصلی (واحد $n = 783$) انتخاب و یک نفر واجد شرایط نیز از بین افراد واجد شرایط خانوارهای نمونه در هر بلوک معین شد؛

اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، وضع تأهل و وضع فعالیت، سن (به صورت یک پرسش باز) و تحصیلات (به صورت فاصله‌ای سنجیده شده است). متغیرهای انواع اعتماد، انواع مشارکت، شبکه، هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی، احساس امنیت، آگاهی، نگاه به آینده و متغیرهای وابسته شامل احساس شادی و نشاط، برخورداری از امکانات رفاهی، رضایت از زندگی و از خودبیگانگی نیز به صورت ترتیبی سنجیده شده است.

در این پژوهش، برای سنجش متغیر وابسته (رفاه اجتماعی) از شاخص‌هایی مانند احساس شادی و نشاط، رضایت از زندگی، برخورداری از امکانات رفاهی و از خودبینی‌گانی در سنجش ترتیبی استفاده شد. برای سنجش بُعد سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی) در پرسش‌نامه، شاخص‌هایی مانند مشارکت اجتماعی، اعتماد، آگاهی، فعالیت جمعی، هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و احساس امنیت در نظر گرفته شد. برای هر یک از این شاخص‌ها از گویه‌های طیف لیکرتی استفاده شد. پرسش‌نامه تهیه شده که اطلاعات مورد نظر را ارزیابی می‌کرد تکمیل و جمع‌آوری شد. داده‌ها به روش رگرسیون چند متغیره تحلیل شد. جدول ۱ نتایج تحلیل پایایی متغیرهای وابسته و برخی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد؛ از روایی صوری و اعمال نظر متخصصین در این پژوهش استفاده شد.

جدول ۱. نتایج تحلیل روایی متغیرهای اصلی تحقیق.

ردیف	متغیر	تعداد پاسخ‌گویان	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	شبکه فرد و فامیل درجه یک و دو (خویشاوندان)	۷۷۲	۴	۰/۷۹
۲	شبکه فرد و همسایگان	۷۶۵	۲	۰/۶۸
۳	شبکه فرد و همکاران و همشهری‌ها	۵۸۲	۴	۰/۷۷
۴	شبکه فرد و دوستان	۷۴۹	۲	۰/۶۰
۵	هم‌بستگی و یکپارچگی و رفت و آمد با هم‌زبان و قوم	۷۷۴	۲	۰/۶۴
۶	هم‌بستگی و یکپارچگی و رفت و آمد با افراد همانند از لحاظ وضعیت اقتصادی و مذهبی و تحصیلات	۷۷۱	۳	۰/۶۲
۷	هم‌بستگی و یکپارچگی و این‌که همسایگان هم مذهب همشهری، هم‌زبان، هم‌قوم و هم‌وطن باشند.	۷۵۳	۵	۰/۸۸
۷	هم‌بستگی و یکپارچگی و این‌که همسایگان معتاد نباشند و سابقه کیفری و زندان نداشته باشند.	۷۷۳	۲	۰/۸۷
۸	احساس امنیت	۷۷۸	۳	۰/۷۱
۹	نگاه به آینده	۶۰۹	۴	۰/۷۴
۱۰	اعتماد عمومی	۶۷۳	۴	۰/۷۵
۱۱	اعتماد فردی	۷۳۴	۳	۰/۶۷

یافته‌ها

این مطالعه، براساس اطلاعات ۷۸۳ نفر پاسخ‌گو از ۲۲ منطقه شهر تهران انجام شد. دامنه سنی از ۱۶ سال تا ۸۱ سال و میانگین این توزیع سنی ۳۶/۶۹ سال بود. میانه سنی جامعه آماری ۳۴ سال و نمای توزیع جمعیت نیز برابر با ۱۸ سال به‌دست آمد. ۳۸۲ نفر (۴۸/۸ درصد) زن و ۴۰۱ نفر (۵۱/۲ درصد) مرد بودند. تعداد متأهل‌ها با ۴۸۶ نفر، ۶۲/۵ درصد و مجردها با ۲۵۳ نفر، ۳۲/۶ درصد جمعیت را تشکیل می‌داد و بقیه، شامل همسرفوت‌کرده‌ها و بی‌همسر بر اثر طلاق و جدایی از همسر بدون طلاق بودند. دامنه سال‌های تحصیلات از صفر (بی‌سواد) تا ۲۰ سال وجود داشت و میانگین سال تحصیلی پاسخ‌گویان ۱۰/۹۳ با میانه و نمای ۱۲ به دست آمد. بیشترین فراوانی سطح تحصیلی مربوط به دیپلم (۲۷۴ نفر و ۳۵/۲ درصد)، سپس سطح تحصیلی لیسانس (۱۲۷ نفر و ۱۶/۳ درصد) و سطح تحصیلی راهنمایی (۱۰۴ نفر و ۱۳/۴ درصد) قرار دارد و بقیه سطوح تحصیلی به لحاظ فراوانی، به ترتیب عبارتند از: (۷۶ نفر و ۹/۸ درصد)، فوق دیپلم (۶۹ نفر و ۸/۹ درصد)، بی‌سواد (۳۷ نفر و ۴/۸ درصد) و فوق‌لیسانس و دکتری با ۲/۲ و ۱/۲ درصد. از بین کل جمعیت پاسخ‌گو، بیشترین تعداد به سرپرست خانوار با ۲۶۲ نفر (۳۳/۷ درصد) تعلق داشت و سپس همسران با ۲۵۸ نفر، (۳۳/۲ درصد)، فرزندان ۲۵۳ نفر (۳۲/۶ درصد) و ۴ نفر، (۰/۵ درصد) نیز افراد وابسته در خانوار بودند. ۲۹۰ نفر (۳۷/۲ درصد) را افراد شاغل تشکیل می‌داد و حدود یک سوم دیگر، یعنی، ۲۴۳ نفر (۳۱/۲ درصد) را نیز افراد خانه‌دار. بقیه نیز شامل ۸۶ نفر محصل (۱۱ درصد)، افراد بازنشسته با ۷۶ نفر (۹/۸ درصد) دانشجو با ۵۰ نفر (۶/۴ درصد) و در رتبه آخر، افراد سرباز و از کار افتاده ۸ نفر (۱ درصد) بود.

از میان ۱۸ عنصر سرمایه اجتماعی وارد شده در تحلیل عاملی، در مجموع ۵۵ درصد پراکنش تبیین شده است که عناصر مربوط به ۶ عامل تقلیل یافته است. عامل اول عبارت است از عناصر شبکه‌ای و هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی و در مجموع ۱۴ درصد پراکنش را تبیین کرده است. عامل دوم از سه نوع مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی و

همیارانه تشکیل شده و حدود ۱۲ درصد پراکنش را تبیین کرده است. عامل سوم، شامل آگاهی و توجه به امور عمومی و مشارکت رسمی و شبکه همکاران و همشهری‌ها و شبکه دوستان صمیمی و قرض دهنده است و حدوداً ۹ درصد پراکنش را تبیین کرده است. عامل چهارم شامل شبکه همکاران و شبکه خویشاوندان است و ۷/۴ درصد پراکنش را تبیین کرده است. عامل پنجم، دو نوع اعتماد عمومی و اعتماد فردی را دربرمی‌گیرد و تقریباً ۶/۵ درصد پراکنش را تبیین کرده است. عامل ششم نیز شامل نگاه به آینده و اعتماد نهادی و احساس امنیت است که در مجموع، حدوداً ۶ درصد پراکنش را تبیین می‌کند.

از تحلیل عاملی با روش واریماکس، ملاحظه می‌شود که KMO، ۰/۶۵۷ آزمون بارتلز ۶۰۲/۴۶۷ و معنی‌دار بوده و پراکنش کل تبیینی ۵۵ درصد است و از بیشترین تبیین در عامل اول با ۱۴ درصد تا پایین‌ترین، یعنی عامل ششم با ۶ درصد را دربرمی‌گیرد.

جدول ۲. ماتریس ساختاری.

عامل						
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۷۸۲	همسایگانی که مذهب، شهر، زبان، قوم و وطن مشترک دارند.
					۰/۶۵۵	رفت و آمد با هم‌زبان و هم‌قوم
					۰/۶۵۰	همسایگان معتاد و سابقه‌دار نباشند.
					۰/۵۹۱	رفت و آمد با افراد مشابه به لحاظ مذهب و تحصیلات و اقتصاد
				۰/۸۱۱		مشارکت غیررسمی خیریه‌ای
				۰/۷۶۶		مشارکت غیررسمی مذهبی
				۰/۷۰۴		مشارکت غیررسمی همیارانه
			۰/۶۲۶			آگاهی و توجه به امور عمومی سیاسی اجتماعی
			۰/۳۲۰			شبکه همکاران و همشهری‌ها
			۰/۶۰۱			مشارکت رسمی
			۰/۴۷۶			دوستان صمیمی و قرض دهنده
		۰/۷۳۶				شبکه همسایگان

عامل						
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
		۰/۶۵۱				شبکه خویشاوندان
	۰/۷۹۹					اعتماد فردی
	۰/۴۸۰					اعتماد عمومی
۰/۶۸۲						نگاه به آینده
۰/۶۰۰						اعتماد نهادی
۰/۴۸۲						احساس امنیت

رگرسیون رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی

از بررسی رگرسیون رفاه اجتماعی که هم شامل عناصر ذهنی است و هم امکانات رفاهی، به عنوان متغیر وابسته و وارد کردن عناصر هجده‌گانه سرمایه اجتماعی با روش مرحله‌به‌مرحله به عنوان متغیرهای مستقل، $R^2=0/24$ محاسبه شد که به این معناست که ۲۴ درصد پراکنش تغییرات در متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل معادله تعیین می‌شود. عمده‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی که در افزایش رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی تأثیرگذار است، عبارتند از: شبکه خویشاوندی، احساس امنیت، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی، اعتماد فردی، آگاهی و توجه به امور عمومی و سیاسی اجتماعی است و این به آن معناست که کسانی که شبکه خویشاوندی و رفت و آمد و تعامل قوی‌تری دارند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و مشارکت رسمی و اعتماد نهادی و فردی بیشتری دارند و آگاهی و توجه آن‌ها نیز از نمره بیشتری برخوردار است. این‌گونه افراد دچار از خودبیگانگی کمتری هستند، میزان رضایت از زندگی و احساس شادی و نشاط بیشتر دارند. امکانات رفاهی بیشتری نیز دارند. البته در اینجا، برای این‌که تأثیر عامل امکانات رفاهی را که جنبه مادی دارد کنترل کنیم، آن را در معادله بعدی حذف کردیم و تأثیر متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی را بر آن، دوباره بررسی کردیم.

جدول ۳. رگرسیون چند متغیری عناصر سرمایه اجتماعی و هم‌بستگی آن‌ها با رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی.

مقدار p	ضریب t	ضریب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		ضریب بتا	خطای استاندارد	ضریب B	
۰/۰۱۴	۲/۴۸۶		۷/۶۷۶	۱۹/۰۸۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۳/۵۴۲	۰/۲۰۷	۰/۳۱۳	۱/۱۰۹	شبکه خویشاوندی
۰/۰۰۲	۳/۰۸۹	۰/۱۷۶	۰/۳۵۸	۱/۱۰۶	احساس امنیت
۰/۰۲۳	۲/۲۸۵	۰/۱۳۲	۰/۶۷۹	۱/۵۵۳	آگاهی و توجه به امور عمومی
۰/۰۰۴	۲/۹۲۹	۰/۱۶۸	۰/۴۱۱	۱/۲۰۸	مشارکت رسمی
۰/۰۰۵	۲/۸۳۷	۰/۱۶۳	۰/۱۲۱	۰/۳۴۲	اعتماد نهادی
۰/۰۰۷	۲/۷۴۵	۰/۱۶۲	۰/۵۰۲	۱/۳۷۹	اعتماد فردی

به طور جزئی‌تر، یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که شبکه خویشاوندی با ۹۹ درصد اطمینان، دارای ارتباط معنی‌داری با شاخص رفاه اجتماعی در شهر تهران است. بدین ترتیب و با توجه به مثبت بودن B، هرچه افراد شبکه خویشاوندی قوی‌تری داشته باشند، از رفاه اجتماعی بیشتری نیز برخوردارند. احساس امنیت ارتباط تنگاتنگی با رفاه اجتماعی دارد و همان‌طور که جدول رگرسیونی مطالعه نیز نشان می‌دهد، بین این دو متغیر در سطح ۹۹ درصد اطمینان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های مطالعه در جدول رگرسیونی همچنین، ارتباط معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد را بین آگاهی و توجه به امور عمومی و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به مثبت بودن ضریب B، هرچه توجه و آگاهی فرد به امور عمومی جامعه بیشتر باشد، میزان رفاه اجتماعی او نیز بیشتر است. مشارکت رسمی و اعتماد نهادی و اعتماد فردی نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان، ارتباط معنی‌داری با رفاه اجتماعی دارد. به عبارت دیگر و با توجه به مثبت بودن ضریب B، هرچه فرد مشارکت رسمی و اعتماد نهادی و اعتماد فردی بیشتر داشته باشد، از رفاه اجتماعی بیشتری برخوردار است.

بحث

یکی از ابزارهای رایج برای دستیابی به توسعه، مخصوصاً توسعه اجتماعی، رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است. رفاه اجتماعی تأکید زیادی بر توانایی‌های بالقوه انسانی و برابری و عدالت به عنوان حرکتی واضح به منظور رفع تبعیض داشته و سامانه‌ای منسجم و جامع از خدمات و برنامه‌هاست که برای ارتقای توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی و کارکردهای اجتماعی مردم طراحی شده است. برای دهه‌ها، اقتصاددانان در مطالعات خود نقش سنتی سرمایه فیزیکی و انسانی در رفاه بررسی کردند و نقش سرمایه اجتماعی بیشتر نادیده گرفته می‌شد.

در طول سال‌های گذشته، بسیاری مطالعات نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی در رونق اقتصادی و توسعه جوامع مؤثر است. رفاه اجتماعی تنها به موضوع اقتصادی مربوط نمی‌شود؛ بلکه مفاهیمی نظیر اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، آگاهی و رضایت‌مندی اجتماعی نیز بر رفاه اجتماعی تأثیر دارد که به عنوان بُعد غیرمادی رفاه اجتماعی درخور بررسی است. گسترش سرمایه اجتماعی در طبقات فقیر جامعه، زمینه رشد فرهنگ مشارکتی، روحیه داوطلبانه، همکاری و اعتماد اجتماعی فراگیر را فراهم می‌کند و نوعی پیوند و رابطه محکم، صمیمیت و کمک متقابل را در سطح بین فردی ایجاد می‌کند.

این مطالعه با بررسی دو حوزه رفاه اجتماعی و عناصر سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی) در کلان‌شهر تهران، رابطه و هم‌بستگی بین این دو متغیر را بررسی کرد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که از میان ۱۸ عنصر سرمایه اجتماعی وارد شده در تحلیل عاملی، در مجموع ۵۵ درصد پراکنش تبیین شده به شش عامل عناصر مربوط تقلیل یافته است. عامل اول عبارت است از عناصر شبکه‌ای و هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی. عامل دوم از سه نوع مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی و همیارانه تشکیل شده است. عامل سوم شامل آگاهی و توجه به امور عمومی، مشارکت رسمی، شبکه همکاران و همشهری‌ها و شبکه دوستان صمیمی و قرض دهنده است. عامل چهارم، شامل شبکه همکاران و شبکه خویشاوندان

است. عامل پنجم دو نوع اعتماد عمومی و اعتماد فردی را دربرمی‌گیرد و عامل ششم نیز شامل نگاه به آینده و اعتماد نهادی و احساس امنیت است. از تحلیل عاملی عناصر مربوط به رفاه اجتماعی این نتیجه به دست آمد که چهار عنصر رضایت از زندگی کل، از خودبیبگانگی، امکانات رفاهی و احساس شادی و نشاط در مجموع در یک عامل قرار گرفتند و رضایت کلی از زندگی و از خودبیبگانگی ۲۰ درصد پراکنش را تبیین کرد، امکانات رفاهی ۱۸/۵ درصد و احساس شادی و نشاط نیز حدوداً ۱۰ درصد از پراکنش کل را تبیین کرد.

طبق یافته‌های این مطالعه، بین برخی عناصر اصلی سرمایه اجتماعی، شبکه‌های خویشاوندی، احساس امنیت، آگاهی و توجه به امور عمومی جامعه، مشارکت و انواع اعتماد نهادی و فردی و شاخص رفاه اجتماعی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، این عناصر موجب افزایش و بهبود رفاه اجتماعی افراد جامعه می‌شود. همان‌طور که در بخش نظری مطالعه و براساس مبحث توسعه اجتماعی نیز آمد، مسائل اجتماعی تأثیر زیادی در رفاه اجتماعی جامعه دارد (رژ، ۱۹۹۹؛ گیدنز، ۲۰۰۶؛ اکر، ۲۰۰۷؛ میدگلی، ۱۹۹۹).

از بررسی رگرسیون رفاه اجتماعی که شامل عناصر ذهنی و امکانات رفاهی است، $R^2=0/24$ محاسبه شد که به این معناست که ۲۴ درصد پراکنش تغییرات در متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل معادله تبیین می‌شود. عناصر عمده سرمایه اجتماعی که در افزایش رفاه اجتماعی از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی تأثیر گذارند، شبکه خویشاوندی، احساس امنیت، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی، اعتماد فردی، آگاهی و توجه به امور عمومی سیاسی اجتماعی است. این یعنی کسانی که از شبکه خویشاوندی و رفت و آمد و تعامل قوی‌تر برخوردارند و احساس امنیت بیشتری می‌کنند مشارکت رسمی و اعتماد نهادی و فردی بیشتری دارند و آگاهی و توجه آن‌ها نیز از نمره بیشتری برخوردار است. این گونه افراد دچار از خودبیبگانگی کمتری هستند و از رضایت از زندگی و احساس شادی و نشاط بیشتری برخوردارند و همچنین، امکانات رفاهی بیشتری نیز دارند.

نتایج این مطالعه منطبق با برخی مطالعات مشابه در داخل و خارج از کشور است. در خارج از کشور، برخی مطالعات بر وجود رابطه بین عناصر سرمایه اجتماعی و رفاه خانوار و اجتماع تأکید کرده‌اند (آنتونی، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۵؛ ناک، ۲۰۰۲؛ چوپین، ۲۰۰۴؛ پاتنام، ۲۰۰۰؛ نارایان و پریچت، ۱۹۹۹؛ گلاسر^۱ و ردیک، ۲۰۰۹؛ اکر، ۲۰۰۷). همچنین، برخی مطالعات داخلی نیز (شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷؛ زاهدی و دیگران، ۱۳۸۷؛ فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۶) تأکید می‌کنند که با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، بر میزان رفاه افزوده می‌شود و برعکس، در جامعه‌ای که میزان سرمایه اجتماعی کمتری دارد، میزان رفاه کمتر و فقر بیشتری وجود دارد.

در نهایت، این مطالعه بر اهمیت مسائل اجتماعی و به ویژه عناصر سرمایه اجتماعی در رفاه اجتماعی جامعه تأکید می‌کند. بدین منظور، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور توصیه می‌کند تا دیدگاه تنها فنی را به مسائل رفاه اجتماعی کنار بگذارند و در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، نقش مهم این عناصر را در نظر داشته باشند.



- افتخاری، ع. و توکلی، م. (۱۳۸۲)، رفاه اجتماعی روستایی؛ رویکردی شناختی در تبیین معرفتها، مدرس، دوره ۷، ش ۲.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰)، دئوکراسی و سنت‌های مدنی (ترجمه محمدتقی دلفروز)، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- جباری، ح. (۱۳۸۲)، توسعه اجتماعی و اقتصادی دو روی یک سکه؟، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی.
- حق‌جو، ن. (۱۳۸۱)، رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی در ایران)، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۲، ش ۶.
- دینی ترکمانی، ع. (۱۳۸۶)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۳.
- ربانی، ر. و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان)، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج ۲۹، ش ۱.
- ربانی، ر. و همکاران، (۱۳۸۸)، رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۹، ش ۳۲.
- زاهدی، م. و همکاران (۱۳۸۶)، فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸.
- شادی‌طلب، ژ. حاجتی کرمانی، ف. (۱۳۸۶)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸.
- شیبانی، م. (۱۳۸۱)، شهروندی و رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱، ش ۴.
- طرازکار، م. و زیبایی، م. (۱۳۸۳)، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری: مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، س ۱۲، ش ۴۸.
- عبدالهی، م. و موسوی، م. (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود،

- دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۵.
- فیروزآبادی، ا، حسینی، ر، و دیگران (۱۳۸۹)، مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۰، ش ۳۷.
- فیروزآبادی، ا، ایمانی، ح. (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در کلان شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۳.
- قانع‌راد، م. (۱۳۸۴)، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۱۸.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی.
- کمالی، ا. مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست (با تأکید بر سازمان‌های تخصصی)، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، راهنما: آزاد ارمکی، ت.
- گل‌پرور، م. و همکاران (۱۳۸۸)، نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۹، ش ۳۲.
- مجتهد، ا. و احمدیان، ا. (۱۳۸۶)، اثر سیاست‌های ارزی مختلف بر رفاه اجتماعی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۹، ش ۳۰.
- مولایی، م. (۱۳۸۶)، مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۴.
- ناطق‌پور، م. و فیروزآبادی، ا. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی، دوره ۶، ش ۴.
- یزدانی، ف. (۱۳۸۲)، مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی و حمایت اجتماعی و رفاه و تأمین اجتماعی)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی.

- Aker C. Jenny (2007), *Social Networks and Household Welfare in Tanzania: Working Together to Get out of Poverty*, University of California-Berkeley.
- Antoni Degli, G. (2005), *Social relations and economic welfare at an individual level*, University of Parma.
- Antoni Degli, G. (2008), Does satisfaction matter? A microeconomic empirical analysis of the effect of social relations on economic welfare, *the Journal of Socio-Economics*, 784.
- Bak, M. (2004), Can Developmental Social Welfare Change an Unfair World?: The South African Experience, *International Social Work*, 47: 81.
- Bannet, F. (2004), *Development of social Security, Social Policy Review*, University of Bristol, Great Britain: The Policy Press.
- Bourdieu P. (1985) the Forms of Capital, In: *Handbook of theory and Research for the Sociology of Education*, ed. JG Richardson, pp. 241-58. New York: Greenwood.
- Brehm, J. & Rahn, W. (1997), Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences' of Social Capital, *American Journal of Political Science*, volume 41, Issue 3 (Jul.,1997), 999-1023.
- Chandler, A. (2001), Globalization, Social Welfare Reform and Democratic Identity in Russia and other Post-communist Countries, *Global Social Policy*, 1: 310.
- Chau, M.C. Ruby & Sam W. K. Yu (1999), Social welfare and economic development in China and Hong Kong, *Critical Social Policy*, 19: 87.
- Fukuyama, F. (1995), *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York: Free Press.
- Ellen, W. Et al. (1998), Getting the Goods on Social Capital, *Rural Sociology*, 63(2).
- Giddens, A. (2006), *Sociology*, Fifth Edition, Cambridge, Polity Press.
- Glaeser L. Et al. (2009), Social Capital and Urban Growth, *International Regional Science Review*, 32: 264.
- Grootaert, C. (1999) "Local Institutions and Service Delivery in Indonesia," mimeo,
- Social Development Department. Washington, DC: World Bank.
- Grootaert, C. & Bastleat, T. (2002), *the role of social capital in development*, Cambridge univ. press.
- Haddad, L. & John, M. (2000), Social Capital and Household Welfare in South Africa: Pathways of Influence, *Prepared for presentation at the Centre for the study of African Economies* 9-10 April.
- Johnston, M. Et al. (2008), Social Welfare Contracts as Networks: the Impact of Network Stability on Management and Performance,

- Administration & Society*, 40: 115.
- Joopin, L. (2003), *social capital and economic development: A cross national study of social capital, trust, civic engagement, and economics of 38 countries, 1990-1998*, the university of Alabama.
 - Knac, S. (2002), Social capital, Growth and poverty: a survey of cross country evidence, in: Grootaert, C. and Bastelaer, T. (2002), *the Role of social capital in development*, Combridge university. Press.
 - Lindemann, M. (2010), Voluntarism in Social Welfare and Urban Government: The Case of Hamburg, 1700-1799, *Journal of Urban History*, 36: 316.
 - Midgley, J. (1999), Redistribution, and Welfare: Toward Social Investment, *the Social Service Review*, Vol. 73, No. 1, 3-21.
 - Narayan, D. & Lant, P. (1999), Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania, *Economic Development and Cultural Change*, 47, 4.
 - Putnam, Robert P. (1995b), Tuning In, Tuning Out: the Strange Disappearance of Social Capital in America, *PS: Political Science and Politics*, 28: 664-83.
 - Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon and Schuster, New York.
 - Rose, R. (1999), what does Social Capital ADD to Individual Welfare? an Empirical Analysis of Russia, *Social Capital Initiative Working Paper*, No. 15.
 - Rueschemeyer, D. (2008), Democracy and Social Welfare, *Contemporary Sociology: A Journal of Reviews*, 37: 407.
 - Sabatini, Fabio (2008), *Social Capital and the Quality of Economic Development*, *YKLOS*, 61: 3.
 - Sefton, A. J. Tom (2003), *Economic Evaluation in the Social Welfare Field: Making Ends Meet*, *Evaluation*, 9: 73.
 - Triegaardt, D. J. (2002), Social policy domains: Social welfare and social security in South Africa, *International Social Work*, 45: 325.
 - Van Ha. Et al (2004), the Contribution of Social Capital to Household Welfare in a Paper-Recycling Craft Village in Vietnam, *the Journal of Environment Development*, 13: 371.
 - Yu, G. Nilan (2006), Ideological roots of Philippine social welfare, *International Social Work*, 49: 559.
 - Yusuf, A. S. (2008), *Social Capital and Household Welfare in Kwara State*, Nigeria, *J. Hum. Ecol*, 23.